

پیامبر گرایی اسلام (ص):

یک نماز جماعت بهتر از چهل سال نماز فردای در خانه است

مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۴۶

عضو تیم ملی:

اهمیت زیادی به فوتبال زنان داده نمی‌شود

نام او بود. حتی به هنگام تست نکونام هم حضور داشت و به یاد دارم در ۱۰ سالگی با یک پسر سوم دبیرستان آن هم انفرادی بازی کردم و ۲ بر یک او را بردم. موقع ثبت نام و بردن شناسنامه آن فرد باورش نمی‌شد که دخترم. در آن زمان برای ادامه فوتبال مصرتز شدم. در دوران کودکی گل رو دیواری خیلی مُد بود و روی دیوار دروازه می‌کشیدیم. همواره توپ را به دیوار می‌زدیم اما توپ به دروازه خورد و خواستم برگردان بزنم که ۲ دستم شکست. به‌صورت رسمی از مسابقات فوتسال مدارس فعالیتیم شروع شد و به‌تدریج به رقابت‌های استانی، کشوری و بعد لیگ برتر راه یافتیم. اولین تیم باشگاهی در لیگ برتر اسلام‌شهر با سرمربیگری «مریم حسن‌زاده» بود.

او در مسابقات مدارس بازی من را دیده بود و برای این تیم انتخاب کرد. پس‌از آن به تیم پیکان با «مهناز امیرشقایق» پیوستم. بعد از آن به تیم دانشگاه آزاد رفتم و تا سال ۸۸ در این تیم‌ها در فوتسال بازی کردم. در دوره‌ای که فوتسال در مازندران برگزار شد با دانشگاه آزاد در مسابقات کشوری قهرمانی را تجربه کردم. سال ۸۸ مصدومیت شدیدی داشتم و مینیسک و رباطم را عمل کردم و در آن زمان هم فوتبال و فوتسال را بازی می‌کردم. به یاد دارم در دیدار حساسی با تیم «شهرزاد مظفر» در زمین زانوی پایم مصدوم شد. در این سال دیگر نتوانستم بازی کنم و پیش‌دانشگاهی بوم بنابراین تصمیم گرفتم تا یک سال درمان و درسم را ادامه دهم. در همان سال بود که تصمیم جدی گرفتم تا فوتبال را انتخاب کنم و فوتسال را رها کردم. سال ۸۹ به تیم اسپات شیراز در لیگ برتر پیوستم و پس‌از آن به ترتیب برای تیم‌های اوج نفت، شهرداری بم به مدت ۲ سال و پدرم هم خیلی حمایتیم کرد...



عضو تیم ملی فوتبال زنان گفت: مسئولان باید نگاه بهتر و حرفه‌ای‌تری به فوتبال زنان داشته باشند، اما متأسفانه هرسال شرایط بدتر می‌شود و اهمیت زیادی به آن داده نمی‌شود. ایرنا / زهرا قنبری عضو تیم ملی فوتبال زنان تجربه فوتبالی او با دعوت به تیم نوجوانان و دیدار برابر آلمان رقم خورد و به‌جز ۲ دیدار ملی در تمامی دیدارهای تیم‌های نوجوانان و پس‌از آن تیم ملی بزرگسالان حضور داشت. او در این فصل برای شهرداری بم بازی می‌کند. وی در فصل گذشته به‌عنوان بهترین گلزن لیگ برتر فوتبال زنان انتخاب شد. در متن زیر مشروح گفت‌وگو با این فوتبالیست را می‌خوانیم:

در ۱۰ سالگی فوتبال را از باشگاه جواد نکونام شروع کردی؟

از دوران کودکی خیلی به فوتبال علاقه داشتم و از ۱۰ سالگی با برادرانم فوتبال بازی می‌کردم. در همان سن در محله ما برای فوتبال تست می‌گرفتند که باوجود آنکه سنم کم بود، شرایطش را داشتم و در آن تست شرکت کردم. به باشگاهی رفتم که «جواد نکونام» هم آنجا تمرین می‌کرد و باشگاه به

با رأی اعضای مجمع؛

غلام شاهی سکاندار هیئت هندبال فارس شد

رضا غلام شاهی به‌عنوان رئیس هیئت هندبال استان فارس انتخاب شد. در این جلسه پس از اعلام برنامه‌های از روابط عمومی و پایگاه خبری و اطلاع‌رسانی اداره کل ورزش و جوانان استان فارس، مجمع انتخاباتی هیئت هندبال استان فارس با حضور علی‌رضا پاکدل رئیس فدراسیون هندبال کشور، سید اسلام موسوی سرپرست توسعه امور ورزش استان، اعضای مجمع شامل نمایندگان اداره کل آموزش و پرورش استان، شهرستان‌ها، باشگاه‌ها، ورزشکاران، مربیان و داوران و برخی مدیران

قهرمانان مسابقات هنرهای فردی مجازی بانوان انجمن‌های ورزش‌های رزمی شناسایی شدند

نفرات برتر به پایان رسید. به گزارش روزنامه طلوع به نقل از روابط عمومی و پایگاه خبری و اطلاع‌رسانی اداره کل ورزش و جوانان فارس به نقل از روابط عمومی هیئت انجمن‌های ورزش‌های رزمی استان فارس، سیده سهیلا دهقانی نائب رئیس هیئت ضمن بیان مطلب فوق افزود: این دوره از مسابقات در بخش‌های مسابقاتی سلاح، اجرای فرم و اجرای تکنیک برگزار و پس از بررسی آثار ارسالی نفرات برتر مشخص و اعلام شدند.



اولین دوره رقابت‌های هنرهای فردی مجازی بانوان برگزار و با شناسایی

در صورت عدم رفع ایرادات اساسنامه

فدراسیون فوتبال؛

هشدار فیفا جدی است «کمیته عادی‌سازی» جایگزین هیئت‌رئیس می‌شود



فدراسیون جهانی فوتبال مناسب ارزیابی نشود، اقدام به تعیین کمیته عادی‌سازی بر اساس نظر خود کرده و می‌تواند اعضای هیئت‌رئیس فدراسیون فوتبال را تغییر داده و به جای آن افراد دیگری را تعیین کند. احمدی بایان اینکه این اتفاق در مورد فدراسیون کشورهای نظیر کویت، مصر، ترینیداد و توباگو و چند کشور دیگر رخ داده است، گفت: سابقه تعیین کمیته عادی‌سازی از سوی فیفا وجود دارد و این اتفاق در مورد کشورهای مختلفی نیز رخ داده و اگر در مورد فدراسیون فوتبال نیز اساسنامه اصلاح می‌شود، لحن فیفا در مورد اساسنامه ارسال فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران به فدراسیون جهانی فوتبال تند بود.

فدراسیون فوتبال برای تعیین تکلیف وی که در یک گفت‌وگوی رادیویی سخن می‌گفت بایان اینکه فیفا سابقه تعیین کمیته عادی‌سازی یا به نوعی همان کمیته انتقالی سابق را در سال‌های اخیر مدنظر قرار داده است، بیان کرد: در صورتی که شرایط آنظر



واحد

داستان مامور پلیس آگاهی بندرعباس که به طرز معجزه آسایی به زندگی برگشت

شاید تنها بیننده‌ای بود که با دیدن صحنه بلند کردن اسلحه توسط بهبود در فرودگاه، نه تنها نخندید، بلکه به پنهانی صورت اشک ریخت.

به گزارش جام جم آنلاین حالت «بهبود» برایش ناشناخته نبود و یاد شهباهی افتاد که مجبور بود دستانش را زیر بدنش بگذارد تا شب به همسر و فرزندش حمله نکند و جان آنها را به خطر نیندازد. به یاد آورد شبی را که تا یک قدمی مرگ رفت و به‌طور معجزه‌آسایی نجات پیدا کرد؛ اما بعد از آن عوارض بیماری دست بی‌قرار سراغش آمد.

سروان علیرضا رضانیان، اهل ساری، قهرمان داستان ماست که سال‌ها برای حفظ امنیت، تمام‌قد در برابر مجرمان ایستاد اما ماجرای شب قدر سال ۸۸ مسیر زندگی‌اش را تغییر داد و حالا بعد از ۱۰ سال از آن عملیات بازنشسته شده است. در طول مصاحبه چند بار نگاهم به دستانت دوخته می‌شود.

آن‌طور که خودش می‌گوید، مدتی است اثری از لرزش نیست اما صدایش از بغض فروخورده‌اش می‌لرزد. از بی‌مهری‌هایی که به او شده، خسته است. می‌گوید: «وقتی لباس نیروی انتظامی را بر تن کردم، از جانم برای حفظ امنیت گذشتم اما وقتی بیمار شدم کسی شرایطم را درک نکرد و حتی گاهی سوژه خنده همکارانم می‌شدم.» داستان از شامگاه ۲۱ شهریور سال ۸۸ آغاز شد. علیرضا رضانیان آن زمان در پلیس آگاهی بندرعباس مشغول به خدمت بود. چهار سالی می‌شد از ساری به این شهر منتقل شده بود و در پلیس آگاهی خدمت می‌کرد. آن شب، آخرین شب قدر بود و باید گشتزنی می‌کرد. موقع خداحافظی به همسرش قول داد زودتر برگردد تا برای احیا به امامزاده مظفر برود. وقتی به اداره رسید، تازه آذان گفته بودند. افطار کرد و بعد از نماز، بیسیم و سلاح را برداشت و همراه سربازی سوار خودرو شدند تا گشتزنی کنند. اینجای ماجرا را به روایت خودش بخوانید: «در یکی از خیابان‌ها با موتورسیکلتی روبه‌رو شدیم که مشکوک به نظر می‌رسید. او را تعقیب کردیم. ما را به محله‌ای خلوت و تاریک برد و در سیاهی شب ناپدید شد. در جست‌وجوی او بودیم که خودروی پژوی سد راهمان شد. راننده پیاده شد و پرسید: با آن موتور چکار داشتی؟» همزمان سه موتورسوار دیگر هم به محل آمدند. نمی‌دانستم آنها هم سارق هستند. خودم را معرفی کردم که یکی از آنها با شمشیر به سمت حمله و من را زخمی کرد. می‌خواست شمشیر را در شکم فرو کند که سلاح را کشیدم و به پایش شلیک کردم.»

دریا، بهترین مخفیگاه

سروان رضانیان می‌دانست، آن‌ها قصد جانش را کرده‌اند. سرباز جوان هم وقتی این اوضاع را دید فرار را بر قرار ترجیح داد. مأمور جوان نگاهی به اطراف کرد و با دیدن دریا، فکری به ذهنش رسید. تنها راه نجاتش مخفی شدن در دریا بود. هر چه توان داشت در پاهایش جمع کرد و به سمت دریا دوید. سعی کرد در این فاصله از طریق بی‌سیم درخواست نیروی کمکی کند. «در بندرعباس دو منطقه به یک اسم وجود دارد که من در یکی از این مناطق

بهاجمان درگیر شدم و همکارانم به‌اشتباه به منطقه دیگر رفته بودند...»

به اینجای ماجرا که می‌رسد مکث می‌کند و نفسی عمیق می‌کشد. انگار بغض راه نفش را گرفته است. چند نفس عمیق می‌کشد و ادامه می‌دهد: «به سمت دریا می‌دویدم که ناگهان مرد شدیدی را پشت سرم احساس کردم. با سنگی بزرگ به پشت سرم کوبیده بودند. سعی کردم تعادل را حفظ کنم و چند گام دیگر برداشتم و خود را داخل دریا انداختم. عمق آب در کنار ساحل کم بود و سرم به سنگی اصابت کرد و پیشانی‌ام شکافت.»

پدربا هم پناهگاه خوبی برای مأمور جوان نبود و دزدان به سمتش سنگ و قشقه و نارنجک دستی پرتاب می‌کردند. تنها امیدش دو لنجی بود که در آن نزدیکی پهلو گرفته بودند. به سمت آنها رفت و میان دو لنج آرام گرفت. مرد دریا بود و شنا خسته‌اش نمی‌کرد اما زخم‌های بدنش و خونریزی شدید، امانش را بریده بود: «دزدان دست‌بردار نبودند و با قایق خود را به آنجا رساندند. نفسی گرفتم و زیر آب رفتم تا از زیر لنج فرار کنم اما لنج به‌گل‌نشسته بود و راه فراری نداشتم. دوباره به سطح آب برگشتم. صدایشان را می‌شنیدم که می‌گفتند، لنج‌ها را آتش بزیند. همان موقع به فکر همسرم افتادم و دنیا برابم تمام شده بود. امیدی به زنده ماندن نداشتم. بی‌سیم و مویایلم از کارافتاده بود. آنها مرا پیدا کردند و با پارو به سروصورتم می‌کوبیدند. مرا تا یک قدمی مرگ بردند و بعد روی قایق کشیدند. یکی از آنها سلاح را مسلح کرد و روی پیشانی‌ام گذاشت و ماشه را چکاند. معجزه خدا بود که سلاح عمل نکرد.»

نقشه نجات

در این مدت فهمیده بود آنها با مأموران پلیس دشمنی دارند و به خاطر شغلش تصمیم به قتل او گرفته بودند. در یک لحظه فکری در ذهنش جرقه زد: «یکی از دزدان می‌خواست سرم را از بدنم جدا کند. به‌دروغ به آنها گفتم مأمور قلابی هستم و برای زایمان همسرم پول ندارم. به همین خاطر با همدستی یکی از دوستانم در پوشش مأمور اخاذی می‌کنیم. ابتدا حرفم را باور نکردند و جیب‌هایم را گشتم. شانس آوردم کارت شناسایی‌ام در دریا از جیب بیرون افتاده بود.» بین دزدان دو دستگی ایجاد شده بود. گروهی معتقد بودند مأمور هستم و باید کشته شوم و دسته دوم حرفم را باور کرده بودند. آنها پیشنهاد دادند مرا به کلاتری تحویل دهند و به‌جای من دوستانشان را که در بازداشتگاه پلیس بود، آزاد کنند. وقتی این دو دستگی را دیدم با التماس از آنها خواستم مرا تحویل ندهند که این رفتارم باعث شد شک آنها به مأمور بودن از بین برود و مرا رها کنند.» علیرضا رضانیان که تا چند لحظه قبل، مرگ را در یک قدمی خود می‌دید، با دیدن اتاقک نگهداری کلاتری در خیابان دوباره به زندگی امیدوار شد. همان موقع دو مأمور سراغش آمدند و زیر بغل او را گرفتند و به سمت کلاتری بردند: «آرام به آنها گفتم من همکاران هستم، اما حرفم را باور نمی‌کردند. مرا به بازداشتگاه بردند. حتی در کلاتری هم کتک خوردم. چند دقیقه بعد یکی از مأموران بازرسی که من را می‌شناخت وارد بازداشتگاه شد و با کمک او نجات پیدا کردم...»

در کهگیلویه و بویر احمد: منزل مدیر کل دامپزشکی مورد اصابت گلوله قرار گرفت



مدیرکل دامپزشکی کهگیلویه و بویراحمد تأیید گفت که فردی یا افرادی شبانه اقدام به تیراندازی به خانه مسکونی وی کرده‌اند که سبب ایجاد خسارت به منزل سازمانی و موجب ترس و نگرانی خانواده‌اش شدند.

عبدالله بهمنش در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا اظهار داشت: در زمان وقوع حادثه کسی از اعضای خانواده در منزل نبود اما پس از حضور در منزل متوجه آثار شلیک گلوله و کشف مرمی شلیک شده به سمت پنجره شدم. وی افزود: موضوع را به نیروی انتظامی اطلاع‌رسانی کردم و با تهیه صورت‌جلسه اقدامات لازم پیش‌ازین در دوم بهمن‌ماه سال ۱۳۹۶ حادثه تیراندازی در ساختمان اداره دامپزشکی شهرستان کهگیلویه رخ داد که در این حادثه ساختمان آن مورد اصابت چندین گلوله قرار گرفت و خساراتی را به دنبال داشت.

مدیرکل دامپزشکی استان کهگیلویه و بویراحمد بیان کرد: شکایت از عامل یا عاملان این تیراندازی صورت گرفته است. بهمنش عنوان کرد: فعالیت‌های

برگزاری دومین مرحله رزمایش همدلی مؤمنانه پلیس فارس

فرمانده انتظامی استان فارس با اشاره به برگزاری دومین مرحله از رزمایش همدلی مؤمنانه کارکنان انتظامی استان گفت: کارکنان انتظامی استان فارس در این مرحله ۸۵۰ بسته معیشتی را برای توزیع بین اقشار آسیب‌پذیر تهیه کردند.

به گزارش روزنامه طلوع به نقل از حوزه اجتماعی فرماندهی انتظامی فارس، سردار رهام بخش حبیبی در حاشیه مراسم دومین مرحله از رزمایش همدلی مؤمنانه کارکنان انتظامی استان فارس در ستاد فرماندهی، اظهار داشت: در اجرای منویات مقام معظم رهبری و فرماندهی معظم کل قوا (مدظله‌العالی)، کارکنان فرماندهی انتظامی استان به همت مجموعه عقیدتی سیاسی در قالب پوشش همدلی مؤمنانه نسبت به جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیر نقدی کارکنان در جهت گسترش فرهنگ ایثار و انفاق اقدام کردند. وی ادامه داد: در این راستا کارکنان انتظامی استان فارس در مرحله اول بالغ بر ۲۰۰ بسته معیشتی و در مرحله دوم ۸۵۰ بسته معیشتی تهیه کردند که بین نیازمندان و معسران جامعه توزیع می‌گردد.

فرمانده انتظامی استان فارس بایان اینکه بسته‌های تهیه شده شامل برنج، روغن، ماکارونی، رب گوجه و سایر اقلام ضروری است، افزود: پلیس در کنار انجام هدفمند مأموریت‌های خود با محوریت تأمین امنیت و آرامش فردی و اجتماعی، در اقدامات انسان دوستانه نیز پیش‌قدم است.

انبار سیلندرها گاز در شیراز منفجر شد

انفجار انبار سیلندرها گاز در شیراز موجب وحشت شهروندان را به همراه داشت.

به گزارش روزنامه طلوع به نقل از روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی شیراز محمدهادی قانع مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی در این‌باره گفت: حادثه انفجار و آتش‌سوزی انبار توزیع سیلندر گاز مایع در بلوار امیرکبیر به ستاد فرماندهی سازمان آتش‌نشانی شیراز اعلام شد.

وی در ادامه اظهار داشت: با اعلام این آتش‌سوزی ۴ دستگاه خودروی عملیاتی، تانکر آب‌رسان و ۲۰ آتش‌نشان به محل حادثه اعزام شدند و انفجارهای متعدد در محل حادثه موجب شده بود سیلندرها گاز مایع به اطراف و حتی طرف مقابل پرتاب شود.

وی اضافه کرد: با تلاش طاق‌فرسای نیروهای عملیاتی و متخصص آتش‌نشانی در ابتدا جریان برق کارگاه به‌صورت کامل قطع گردید و آتش‌نشانان با استفاده از دستگاه تنفسی توانستند به کانون آتش دسترسی پیدا کنند و موفق به شعله زنی و مهار شعله‌های آتش در کوتاه‌ترین زمان ممکن شدند.

مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی شیراز بایان اینکه این حادثه خوشبختانه تلفات جانی در پی نداشته است، تصریح کرد: متأسفانه به دنبال بروز آتش‌سوزی و انفجار عده کثیری از مردم در محل تجمع کردند که این تجمع باعث کند شدن روند امداد‌رسانی شده و در این‌گونه حوادث از مردم تقاضا می‌کنیم از هرگونه تجمع در محل خودداری کنند تا روند اطفای حریق و امداد‌رسانی با سرعت بیشتری انجام گردد.